

اتوبوس مسافری بی ۳۷ مسافر در جاده جاجرد سقوط کرد و ۱۱ کشته و ۲۷ مجروح برجای گذاشت

وحشت در دره مرگ

مصدومان جزییات این سانحه را در گفت‌وگو با «شهروند» روایت کردند



احمد کرمی

حادثه تیم‌های امدادی به پایگاه خود بازگشتند. «تیم‌های امدادی به پایگاه خود بازگشتند.»
نگرانی مادر روزن
 نصیبه زنجیر ۲۰ ساله یکی از مصدومان حادثه سقوط اتوبوس مسافری بی ۳۷ در مرگ در حالی که روی تخت بیمارستان امام حسین (ع) شرایط سختی را سپری کرده نگران سرنوشت پسر ۱۲ ساله‌اش مانی بود و هر لحظه اسام پسرش را صدای می‌زد او می‌خواست که پسرش را ببیند و این در حالی بود که مانی روی تخت بیمارستان در بخش جراحی خوابیده بود.

مادر نگران در حالی که از ناحیه صورت و ریه آسیب دیده بود، به «شهروند» گفت: «قصدم داشتیم به خاطر آخرین روزهای شهروم و قبل از باز شدن مدارس همراه پسرم به خانه برادرم در ساری برویم. به همین خاطر به پایانه مسافری شهروم کلاکتری کرج رفتم و سوار اتوبوس شدیم. ساعت ۱۲:۱۰ دقیقه اتوبوس حرکت کرد و در پایانه مسافری شرق تهران نیز اقدام به مسافری کرد و سپس به سمت ساری راه افتاد. پسرم مانی در صندلی کناری‌ام خوابیده بود و من چون نمی‌توانم داخل خودرو بپردازم خوابم در حالت خواب و بیدار بودم؛ ناگهان اتوبوس شروع به لرزیدن کرد و همه چیز برعکس شد. پس از آن دیگر حرکت نبود و راه نلرم. نمی‌دانم چند ساعت بی‌هوش بودم ولی زمانی که به هوش آمدم، خودم را داخل آمبولانس دیدم و شروع به صدا کردم اسم پسرم کردم که پزشکان اعلام کردند پسرم زنده است؛ اما نگارتم شکم من نمی‌داند چه اتفاقی برای او رخ داده است.» پدر مانی کرمی نیز به خبرنگار ما گفت: «همسرم فرزندم قصد رفتن به سفر داشتند که آنها را به پایانه مسافری رساندم و پس از این که اتوبوس حرکت کرد، به خانه بازگشتم. تا این که ساعت ۳:۳۰ دقیقه بامداد مرد جوانی با من تماس گرفت و ادعا کرد که شماره‌ام را همسرم به او داده و در ادامه از ماجرای واژگون شدن اتوبوس آنها خبر داد. هم‌چون سایر واژگون‌شده‌ها کسی زنگ می‌زد و مراجعه می‌کردم، پانچ درستی درباره سرنوشت همسرم فرزندم نمی‌دانند تا این که ساعت ۵ صبح موفق شدم آنها را در بیمارستان امام حسین (ع) پیدا کنم. وقتی به سراغ پزشکان رفتم،

وضعیت مصدومان در بیمارستان

دکتر حسن نوری معاون عملیات اورژانس شهروم درباره این حادثه به «شهروند» گفت: «تیم‌های امدادی اورژانس با اطلاع از این حادثه در محل حاضر شدند و ۲۷ مصدوم را به ۴ بیمارستان شهدای تجریش، فیروزگر، امام حسین (ع) و بعثت انتقال دادند که اکثر آن‌ها از مصدومان با توجه به شرایطی که داشتند، درمان اقدامات ابتدایی بیمارستان مریض شدند. از ۲۱ مصدوم که با کمک تیم‌های اورژانس حاضر در محل به بیمارستان‌های امام حسین (ع)، فیروزگر، بعثت و شهرداری تجریش منتقل کردند و ۲۷ مصدوم نجات در محل نشان از آن داشت که ۱۰ مرد و یک زن در دم جان باختند. بررسی‌های فنی کارشناسان پلیس راه شرق تهران از نقص فنی در سیستم ترمز اتوبوس خبر داده و تحقیقات نشان داد که سرعت اتوبوس نیز در زمان سقوط ۵۰ کیلومتر بر ساعت بوده است.»

مسافران داخل اتوبوس رفتند. این در حالی بود که چند مسافر به خاطر شدت واژگونی و جدانشدن سقف اتوبوس به بیرون پرت شده بودند. تیم‌های امدادی پس از نجات ۲۷ مسافر را به کمک تیم‌های اورژانس حاضر در محل به بیمارستان‌های امام حسین (ع)، فیروزگر، بعثت و شهرداری تجریش منتقل کردند و ۲۷ مصدوم نجات در محل نشان از آن داشت که ۱۰ مرد و یک زن در دم جان باختند. بررسی‌های فنی کارشناسان پلیس راه شرق تهران از نقص فنی در سیستم ترمز اتوبوس خبر داده و تحقیقات نشان داد که سرعت اتوبوس نیز در زمان سقوط ۵۰ کیلومتر بر ساعت بوده است.»

حضور دادستان تهران در محل حادثه
 دکتر عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران صبح دیروز برای بررسی‌های بیشتر همراه با سرپرست دادسرای ناحیه ۴ تهران به محل سقوط اتوبوس مسافری بی ۳۷ رفتند. صحنه هولناکی پیش‌روی دادستان تهران داشت، سقف اتوبوس جدا شده بود و تعدادی صندلی فرو افتاده بودند. جانی‌های تهران قرار گرفت و بار دیگر به جنایت اعتراف کرد. او گفت که با انگیزه سرقت دست به این قتل زده است. در ادامه این خواننده در گفت‌وگو با «شهروند» جزئیات ماجرای این جنایت را تشریح کرد:
چند وقت است که کار خوانندگی می‌کنی؟
 به خاطر علاقه شدیدی که به خوانندگی داشتم، از حدود دو سال پیش خوانندگی‌ام را با همکاری حرفه‌ای خود آغاز کردم. می‌خواستم وقتی کارهای من منتشر شد، با اسم مستعار رضا «تک» معروف شوم.

تحصیلات نداری؟

تاسوم راهنمایی درس خواندم. بعد از آن به خوانندگی علاقه‌مند شدم.

بامقتول چطور آشناسدی؟

او استودیوی ضبط صدا داشت. من نخستین آهنگ خود را حدود دو سال پیش در استودیوی ضبط مقتول که آن زمان در منطقه مرتضی‌گرد بود، تولید کردم. از آن به بعد ما آشنا شدیم و من چند آهنگ دیگر هم در استودیوی او ضبط کردم. قرار بود که وقتی همه آهنگ‌هایم تمام شد، به صورت آلبوم منتشر شود. آخرین آهنگی که در استودیوی پوریا خواندم، مربوط به اسفندماه سال گذشته بود.

چی شد که پوریا کار اشتی؟

چند وقتی بود، اطلاعاتی از مقتول نداشتم اما می‌دانستم که مقتول سیستم استریو مجهزی در اختیار دارد. تا این که حدود سه ماه پیش تصمیم گرفتم این تجهیزات را سرقت کنم. موضوع را با یکی از دوستانم به نام مهدی در میان گذاشتم و او هم با من همراه شد. یک اسلحه کمری خریدم و با هم به سرقت رفتیم.

چرا می‌خواستی از آن جاسرقت کنی؟

۱۰ میلیون تومان اسلحه خوب و مجهزی بود. روز حادثه چطور پوریا را به قتل رسانیدی؟
 ساعت ۳ ظهر بود. به همراه مهدی و طی قرار قبلی که با پوریا گذاشته بودیم، به دفتر کار جدید وی در شهرک ولیعصر رفتیم. پس از تشکیل قرار داد، به بهانه تست صدا هر سفر با هم وارد اتاق ضبط شدیم. همان لحظه بدون هیچ درگیری فیزیکی با شلیک، اسلحه را از زیر لباسم خارج کرده و ۶ گلوله متوالی، پس از آن تجهیزات داخل استودیو را برداشته و فرار کردم.

شهروند | اتوبوس مسافری بی ۳۷ مسافر از کرج به سمت ساری حرکت کرد، اما به خاطر نقص فنی در سیستم ترمز به دره سقوط کرد. این حادثه هولناک باعث شد تا ۱۱ مسافر جان خود را از دست بدهند و ۲۷ نفر دیگر راهی بیمارستان‌ها شوند. مصدومان این حادثه علاوه بر آسیب جسمی، به خاطر تاریکی دره و دیدن جنازه‌ها شدت شوک شده بودند.

عقر به‌ها ساعت ۲۴ دوشنبه شب ۲۰ شهریورماه سال جاری را نشان می‌داد که ۲۷ مسافر از پایانه مسافری شهید کلاکتری کرج سوار بر اتوبوس مسافری آریاسفر شدند. این اتوبوس به سمت ساری حرکت کرد و راننده در مسیر به سمت تعاونی شماره یک پایانه مسافری شرق تهران رفت. او ۱۰ مسافر دیگر که در انتظار اتوبوس بودند را سوار بر خودرویش کرد و در نهایت ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد سه‌شنبه اتوبوس به سمت ساری حرکت کرد.

مسافران داخل اتوبوس رفتند. این در حالی بود که چند مسافر به خاطر شدت واژگونی و جدانشدن سقف اتوبوس به بیرون پرت شده بودند. تیم‌های امدادی پس از نجات ۲۷ مسافر را به کمک تیم‌های اورژانس حاضر در محل به بیمارستان‌های امام حسین (ع)، فیروزگر، بعثت و شهرداری تجریش منتقل کردند و ۲۷ مصدوم نجات در محل نشان از آن داشت که ۱۰ مرد و یک زن در دم جان باختند. بررسی‌های فنی کارشناسان پلیس راه شرق تهران از نقص فنی در سیستم ترمز اتوبوس خبر داده و تحقیقات نشان داد که سرعت اتوبوس نیز در زمان سقوط ۵۰ کیلومتر بر ساعت بوده است.»

حضور دادستان تهران در محل حادثه
 دکتر عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران صبح دیروز برای بررسی‌های بیشتر همراه با سرپرست دادسرای ناحیه ۴ تهران به محل سقوط اتوبوس مسافری بی ۳۷ رفتند. صحنه هولناکی پیش‌روی دادستان تهران داشت، سقف اتوبوس جدا شده بود و تعدادی صندلی فرو افتاده بودند. جانی‌های تهران قرار گرفت و بار دیگر به جنایت اعتراف کرد. او گفت که با انگیزه سرقت دست به این قتل زده است. در ادامه این خواننده در گفت‌وگو با «شهروند» جزئیات ماجرای این جنایت را تشریح کرد:
چند وقت است که کار خوانندگی می‌کنی؟
 به خاطر علاقه شدیدی که به خوانندگی داشتم، از حدود دو سال پیش خوانندگی‌ام را با همکاری حرفه‌ای خود آغاز کردم. می‌خواستم وقتی کارهای من منتشر شد، با اسم مستعار رضا «تک» معروف شوم.

تحصیلات نداری؟

تاسوم راهنمایی درس خواندم. بعد از آن به خوانندگی علاقه‌مند شدم.

بامقتول چطور آشناسدی؟

او استودیوی ضبط صدا داشت. من نخستین آهنگ خود را حدود دو سال پیش در استودیوی ضبط مقتول که آن زمان در منطقه مرتضی‌گرد بود، تولید کردم. از آن به بعد ما آشنا شدیم و من چند آهنگ دیگر هم در استودیوی او ضبط کردم. قرار بود که وقتی همه آهنگ‌هایم تمام شد، به صورت آلبوم منتشر شود. آخرین آهنگی که در استودیوی پوریا خواندم، مربوط به اسفندماه سال گذشته بود.

چی شد که پوریا کار اشتی؟

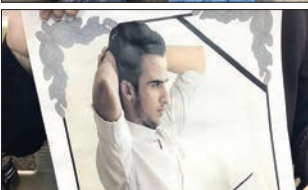
چند وقتی بود، اطلاعاتی از مقتول نداشتم اما می‌دانستم که مقتول سیستم استریو مجهزی در اختیار دارد. تا این که حدود سه ماه پیش تصمیم گرفتم این تجهیزات را سرقت کنم. موضوع را با یکی از دوستانم به نام مهدی در میان گذاشتم و او هم با من همراه شد. یک اسلحه کمری خریدم و با هم به سرقت رفتیم.

چرا می‌خواستی از آن جاسرقت کنی؟

۱۰ میلیون تومان اسلحه خوب و مجهزی بود. روز حادثه چطور پوریا را به قتل رسانیدی؟
 ساعت ۳ ظهر بود. به همراه مهدی و طی قرار قبلی که با پوریا گذاشته بودیم، به دفتر کار جدید وی در شهرک ولیعصر رفتیم. پس از تشکیل قرار داد، به بهانه تست صدا هر سفر با هم وارد اتاق ضبط شدیم. همان لحظه بدون هیچ درگیری فیزیکی با شلیک، اسلحه را از زیر لباسم خارج کرده و ۶ گلوله متوالی، پس از آن تجهیزات داخل استودیو را برداشته و فرار کردم.

ذره بین

قتل صاحب استودیوی ضبط صدا از سوی خواننده رپ



شهروند | ۱۸ رپ ساله، برای پرداخت بدهی ۱۰۰ میلیون تومانی‌اش، نقشه یک جنایت را اجرا کرد. او به همراه دوستش، صاحب یک استودیوی ضبط صدا را با شلیک ۶ گلوله به قتل رساند تا وسایل مجهز آن استودیو را سرقت کند. ساعت ۱۶ روز نهم شهریورماه، وقوع یک جنایت به کلاکتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر اعلام شد. با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «قتل عمد» و به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. تحقیقات نشان داد که مقتول به نام پوریا ۲۰ ساله در یک استودیوی ضبط صدا به قتل رسیده است. کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در بررسی صحنه جنایت اطلاع پیدا کردند که مقتول به علت آسیب ۶ گلوله شلیک‌شده از یک اسلحه کمری و از فاصله نزدیک به قتل رسیده است. همچنین مشخص شد که عامل یا عاملان جنایت بدون هر گونه فشار یا تخریب وارد محل جنایت شده‌اند. هیچ گونه آثار ضرب و جرحی نیز روی جسد مقتول شناسایی نشد که همگی این دلایل نشان از شلیک ناگهانی، به‌سوی وی داشت. با آغاز تحقیقات، کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با انجام اقدامات پلیسی و بررسی صحنه جنایت اطلاع پیدا کردند که مقتول ساعت ۱۵ روز جنایت، برای تنظیم قرار داد با یکی از خوانندگان زیرزمینی قرار ملاقات داشته است. بنابراین با شناسایی محل سکونت این خواننده به نام «رضا» ۱۸ ساله در منطقه مرتضی‌گرد، کار آگاهان سه این محل اعزام و در تحقیقات پلیسی اطلاع پیدا کردند که همزمان با تاریخ جنایت، «رضا» به محل سکونت خود مراجعتی نداشته است. تحقیقات پلیسی برای دستگیری «رضا» در دستور کار کار آگاهان قرار داشت تا این که در نهایت ساعت ۱۱ روز ۲۰ شهریورماه، «رضا» در منطقه مرتضی‌گرد دستگیر و در همان تحقیقات نخست به جنایت با همدمستی یکی از دوستانش به نام مهدی ۱۸ ساله اعتراف کرد. مهدی نیز ساعت ۱۲ همان روز، در منطقه مرتضی‌گرد، دستگیر و اظهارات دوست خود را تأیید کرد. صبح دیروز این خواننده به همراه همدمست خود در مقابل قاضی مرادی بازپرس دادسرای جنایی تهران قرار گرفت و بار دیگر به جنایت اعتراف کرد. او گفت که با انگیزه سرقت دست به این قتل زده است. در ادامه این خواننده در گفت‌وگو با «شهروند» جزئیات ماجرای این جنایت را تشریح کرد:

حضور دادستان تهران در محل حادثه
 دکتر عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران صبح دیروز برای بررسی‌های بیشتر همراه با سرپرست دادسرای ناحیه ۴ تهران به محل سقوط اتوبوس مسافری بی ۳۷ رفتند. صحنه هولناکی پیش‌روی دادستان تهران داشت، سقف اتوبوس جدا شده بود و تعدادی صندلی فرو افتاده بودند. جانی‌های تهران قرار گرفت و بار دیگر به جنایت اعتراف کرد. او گفت که با انگیزه سرقت دست به این قتل زده است. در ادامه این خواننده در گفت‌وگو با «شهروند» جزئیات ماجرای این جنایت را تشریح کرد:
چند وقت است که کار خوانندگی می‌کنی؟
 به خاطر علاقه شدیدی که به خوانندگی داشتم، از حدود دو سال پیش خوانندگی‌ام را با همکاری حرفه‌ای خود آغاز کردم. می‌خواستم وقتی کارهای من منتشر شد، با اسم مستعار رضا «تک» معروف شوم.

تحصیلات نداری؟

تاسوم راهنمایی درس خواندم. بعد از آن به خوانندگی علاقه‌مند شدم.

بامقتول چطور آشناسدی؟

او استودیوی ضبط صدا داشت. من نخستین آهنگ خود را حدود دو سال پیش در استودیوی ضبط مقتول که آن زمان در منطقه مرتضی‌گرد بود، تولید کردم. از آن به بعد ما آشنا شدیم و من چند آهنگ دیگر هم در استودیوی او ضبط کردم. قرار بود که وقتی همه آهنگ‌هایم تمام شد، به صورت آلبوم منتشر شود. آخرین آهنگی که در استودیوی پوریا خواندم، مربوط به اسفندماه سال گذشته بود.

چی شد که پوریا کار اشتی؟

چند وقتی بود، اطلاعاتی از مقتول نداشتم اما می‌دانستم که مقتول سیستم استریو مجهزی در اختیار دارد. تا این که حدود سه ماه پیش تصمیم گرفتم این تجهیزات را سرقت کنم. موضوع را با یکی از دوستانم به نام مهدی در میان گذاشتم و او هم با من همراه شد. یک اسلحه کمری خریدم و با هم به سرقت رفتیم.

چرا می‌خواستی از آن جاسرقت کنی؟

۱۰ میلیون تومان اسلحه خوب و مجهزی بود. روز حادثه چطور پوریا را به قتل رسانیدی؟
 ساعت ۳ ظهر بود. به همراه مهدی و طی قرار قبلی که با پوریا گذاشته بودیم، به دفتر کار جدید وی در شهرک ولیعصر رفتیم. پس از تشکیل قرار داد، به بهانه تست صدا هر سفر با هم وارد اتاق ضبط شدیم. همان لحظه بدون هیچ درگیری فیزیکی با شلیک، اسلحه را از زیر لباسم خارج کرده و ۶ گلوله متوالی، پس از آن تجهیزات داخل استودیو را برداشته و فرار کردم.

تحصیلات نداری؟

تاسوم راهنمایی درس خواندم. بعد از آن به خوانندگی علاقه‌مند شدم.

بامقتول چطور آشناسدی؟

او استودیوی ضبط صدا داشت. من نخستین آهنگ خود را حدود دو سال پیش در استودیوی ضبط مقتول که آن زمان در منطقه مرتضی‌گرد بود، تولید کردم. از آن به بعد ما آشنا شدیم و من چند آهنگ دیگر هم در استودیوی او ضبط کردم. قرار بود که وقتی همه آهنگ‌هایم تمام شد، به صورت آلبوم منتشر شود. آخرین آهنگی که در استودیوی پوریا خواندم، مربوط به اسفندماه سال گذشته بود.

آزیر

متهم فراری پرونده بیناد دستگیر شد

شهروند | متهم فراری پرونده بیناد که در زمان رسوایی این دختر بچه، او نیز در محل حضور داشت از سوی پلیس بازداشت شد. محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران از دستگیری متهم فراری پرونده بیناد خبر داد و گفت: «این فرد که احمد نام دارد، در صحنه سرقت حضور داشت اما نقش وی در پرونده هنوز مشخص نیست. با کار اطلاعاتی صبح روز سه‌شنبه ۲۱ شهریور مخفیگاه این متهم فراری شناسایی و او دستگیر شد. هنوز نقش او در صحنه سرقت و حضور در تحصیل اموال مسروقه در قیام‌دشت در دست بررسی است.»

اعدام شروع سابقه دار عنبر آبادی در ملأ عام

میزان | حکم قصاص یکی از افراد شرور و سابقه‌دار شهرستان عنبرآباد صبح دیروز در ملأعام اجرا شد. یوسف سبحانی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان عنبرآباد از اجرای حکم قصاص یکی از افراد شرور و سابقه‌دار این شهرستان خبر داد و گفت: «این متهم سابق و حکومت‌های متعدد کیفری از جمله سرقت، ضرب و جرح و قتل را در پرونده سابقه خود به ثبت رسانده بود. متهم در آخرین جنایت خود مرتکب قتل یکی از سرمایه‌گذاران این شهرستان شده بود. مقتول به نام کرمان دهدشتی شاهنامه هشتم آبان سال ۹۴ توسط آدم‌ربایان در باغ کشاورزی خود در شهر دوسری روده شد و با توجه به مقاومت، مقتول مورد ضرب و جرح شدید قرار گرفت که از اثر شدت جراحات جان باخت. پس از ۲۰ روز تلاش شبانه‌روزی دستگاه قضایی و پلیس آگاهی شهرستان عنبرآباد و پس از یک‌سری اقدامات اطلاعاتی و تحقیقاتی پیچیده، قاتل در مخفیگاهش در شهرستان رودبار جنوب شناسایی و دستگیر شد. در این رابطه ۶ متهم در شهرهای مختلف دو استان کرمان سرسواد و خواب‌لودجستان دستگیر شدند و از این تعداد چهار نفر با قرار بازداشت موقت راهی زندان شدند. علت و انگیزه اصلی قتل اخاذی و سرقت خودرو لوکس جری مقتول بود. پرونده در مدت زمان قانونی در مراجع قضایی شهرستان و استان مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از تأیید حکم قصاص در دیوانعالی کشور، صبح روز ۲۱ شهریور ماه با حضور اعضای شورای تأمین شهرستان در ملأعام اجرا و این شرور به دار مجازات آویخته شد.»

هلاکت قاتل مامور پلیس

شهروند | قاتل مامور پلیس در گساربان به هلاکت رسید و دو همدمست دیگرش دستگیر شدند. سردار مهدی انصاری، فرمانده انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد در تشریح جزئیات این خبر گفت: «در پی به شهلاهدت رسیدن یکی از کارکنان پلیس آگاهی استان هنگام دستگیری یک کثرو مسلح فراری در روز هجدهم شهریورماه سال جاری در یکی از روستاهای شهرستان گساربان، پلیس استان عملیات شناسایی و دستگیری عوامل این حادثه را آغاز کرد. بعد از چند روز تحقیق، ساعت ۶ صبح روز سه‌شنبه ۲۱ شهریورماه ۹۶ محل اختفای این شرور فراری و همدمستش در یکی از محلات شهر دهدشت شناسایی و محاصره شد. این افراد شرور که همه مسلح بودند وقتی خود را در محاصره پلیس دیدند، به سوی مأموران شلیک کردند. در این درگیری مسلحانه «کوروش پور سیامک» قاتل شهید فرزادبان به هلاکت رسید و دو همدمست دیگرش نیز دستگیر شدند.»

حکم اعدام دوباره برای متجاوز به ۴ زن و دختر

تسنیم | مرد جوانی که با جصل عنوان «پستیچی» اقدام به تجاوز به ۴ زن و دختر جوان کرد و حکم اعدامش در دیوانعالی کشور نقض شد، در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب محاکمه و دوباره به اعدام محکوم شد. پرونده موسوم به «پستیچی متجاوز» در تیرماه سال ۹۱ با شاکت تعدادی از زنان و دخترانی که مورد آزار و اذیت جنسی و سرقت اموال واقع شده بودند، مطرح شد و نهایتاً پس از بررسی‌های پلیسی، متهم در یکی از روستاهای شهرستان صومعه‌سرای استان گیلان دستگیر شد. پس از انتشار تصویر متهم در رسانه‌ها، تعداد شکات این متهم به ۴۰ نفر رسید. نهایتاً بعد از انجام بازجویی‌ها، پرونده در دادسرای ناحیه ۲۱ بررسی شد و متهم به هر ۴ نفر تجاوز آزار کرد. رسیدگی به این پرونده به نفعه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی محول شد و نهایتاً پس از تشکیل چندین جلسه دادگاه متهم را مفسد فی الارض تشخیص داد و به اعدام محکوم کرد. پرونده با اعتراض متهم به دیوانعالی کشور ارسال شد و شعبه دیوان نیز پس از بررسی، حکم صادره را نقض کرد. شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به‌عنوان شعبه هم‌عرض، دوباره به اتهامات متهم این پرونده رسیدگی کرد و بر اساس قرائن و شواهد موجود، متهم را مفسد فی الارض شناخت و به اعدام محکوم کرد. این حکم نیز قابل اعتراض در دیوانعالی کشور است.

آخرین دست نوشته پدر جنایتکار

عامل این جنایت با سیانور خودکشی کرد

چاقوی بلند و دو لبه که بیشتر به‌قدار سه‌شبه بود تا چاقو»

اعتیاد و خشم شهرام، روایت همسایه‌ها

کوجهای پهن در یکی از فرعی‌های خلوت محله تهرانپارس. اواسط این کوچه ساختمانی مسطح قدیمی با نمای رنگ‌ورورفته جا خوش کرده است. ساختمانی که دوشنبه شب مملو از پلیس و کار آگاهان اداره دهم قتل پایتخت بود. حالا واحد یک این ساختمان جایی است که اهالی محل با انگشت به هم نشان می‌دهند و پس از چند دقیقه بی‌چیز کردن، است، آدم عصبی بود و با همسرش اختلاف داشت؛ اما کشتن دو دختر بی‌گناه غیر قابل تصور است! اینها را یکی از همسایه‌های این خانواده به «شهروند» می‌گوید. او چند سالی است که در ساختمان صبا سکان است و همه ساکنان را می‌شناسد: «ما وقتی پلیس‌ها رسیدند، متوجه حادثه شدیم؛ البته چند ساعت قبل از آن صدای داد و فریاد دخترهایش را شنیدیم. با چند تا از همسایه‌ها تا پشت در خانه رفتیم اما خیلی زود صداها قطع شد. من هم به تصور این که همه چیز تمام شده به خانه بازگشتم تا این که ساعت حدود ۱۰ شب از زیر پلیس را شنیدم. بیچاره همسرش همه داخوشی او همین دوتا بچه بود. از شوهرش که خبری ندید، حالا بچه‌هایش را هم به خاطر این مرد از دست داد.» یکی دیگر از ساکنان این ساختمان هم درباره اختلافات قاتل با همسرش به «شهروند» می‌گوید: «اختلاف آنها قدیمی بود. شهرام خیلی تندخو و بداخلاق بود. پولی هم نداشت. معتاد هم بود. خوب یک زن دلش را به چی خوش کند. اگر از مادری شهرام نبود، آنها همین سرپناه را هم نداشتند. در واقع این خانه مادری شهرام بود که پس از مرگ او شهرام و خانواده‌اش همین جاسکان شدند. او ابتدا تالیسانی بود، کارش هم بد نبود، اما اعتیاد او را زمینگیر کرد، همسرش هم به خاطر همین موضوعات با او اختلاف داشت. نزدیک دو ماه بود که به خانه پدرش رفته بود تا جایی هم که من اطلاع دارم، آنها هم در تهرانپارس زندگی می‌کنند؛ چون شهرام بداخلاق بود و چندباری هم با همسایه‌ها درگیر شده بود، اهالی این ساختمان زیاد با آنها دخور نبودند. چند ماه پیش که همسر شهرام اتفاقی در راه‌پله‌ها دیدم، از سر کار برمی‌گشت، چون لباسش کثیف بود، حسایی از شهرام تراحت بود، کمی با من در دل کرد و رفت.»

در این حادثه دو دختر جوان به دست پدر خشمگین به قتل رسیدند



عامل این جنایت مواجه شدند که ظاهراً الحظاتی پس از قتل دختران جوان نوشته شده بود.

دست نوشته پدر جنایتکار

«با زخم اختلاف داشتم؛ البته برادرهایش مسبب این اختلاف بودند، کلی هم بدهکار شدم حدود ۲۰ میلیون تومان، به خاطر همین تصمیم گرفتم به زندگی خودم و دخترانم خاتمه دهم.» این بخشی از دست‌نوشته عامل این جنایت است که به گفته بازپرس این پرونده روی صفحه تلویزیون چسبانده شده بود. دست‌نوشته‌ای که به گفته یلخانی می‌تواند بیان‌کننده انگیزه این جنایت باشد. او در این باره به «شهروند» می‌گوید: «احتمال زیاد دقایقی پس از جنایت و در حالی که قاتل با قرص اقدام به خودکشی کرده بود، نگارش شده است. البته خواهر قاتل دستخط برادرش را تأیید کرد، با وجود این، این دست‌نوشته برای بررسی بیشتر کارشناسی می‌شود؛ اما با توجه به شواهد موجود اختلافی که قاتل با همسرش داشته، اختلاف خانوادگی باعث شده تا این پدر دو فرزندش را به قتل برساند.» او همچنین درباره جزئیات دیگر این پرونده هم توضیح داد: «قاتل دقایقی پس از انتقال به بیمارستان به علت مسومیت ناشی از قرص سیانور فوت می‌کند. همسر او هم بر اساس اظهارات همسایگان و خواهر قاتل، بیش از ۴۰ روز به دلیل اختلافاتی که با قاتل داشته خانه را ترک کرده است. این زن از همسرش چندبار شکایت کرده است؛ اما علت این اختلاف هنوز برای ما روشن نشده است. قاتل همین دو فرزند را داشته که بررسی صحنه جرم نشان می‌دهد، هر دو آنها در آشپزخانه با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیدند. آلت قتاله در صحنه جرم وجود داشت، یک